

آداب قرائت قرآن

<?xml encoding="UTF-8?">

روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین عبادت امت من تلاوت قرآن است.» «اگر قرآن در پوستی باشد، آتش آن را لمس نمی کند.» «هیچ شفاعت کننده اعم از پیغمبر و فرشته و دیگران از جهت مقام و منزلت پیش خدا در روز قیامت بهتر و بالاتر از قرآن وجود ندارد.» «خدای تعالی می فرماید: کسی که تلاوت قرآن، او را از دعا و خواهش از من، باز دارد، بهترین پاداش سپاس گزاران را به او خواهم داد.»

آداب ظاهری تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن دارای آدابی ظاهری و دابی باطنی است و آداب ظاهری آن سه چیز است:

اول رعایت تعظیم و احترام در وقت خواندن قرآن است و مادام که هیات احترام در ظاهر وجود نداشته باشد، احترام در قلب ایجاد نمی شود و قبلاً بیان کردم که چگونه اعضای بدن با قلب علاقه و ارتباط دارند و انوار از آن ها به سوی قلب فرا می روند و هیات احترام ظاهر بدین طریق است که با طهارت و رو به قبله بی حرکت و سرافکنده بنشین و بر چیزی تکیه نکنی و از چهار زانو نشستن و خواب آلودگی بپرهیزی و چنان که در مقابل معلم می نشینی با ادب باشی و کلمات آن را شمرده و روان بخوانی و یک یک حرف ها را بی عجله و شتاب ادا کنی. ابن عباس علیه السلام می گفت: اگر سوره های زلزلت و قارعه را بخوانم و در معانی آن ها تفکر کنم، بیش تر دوست دارم از این که سوره های بقره و آل عمران را با عجله بخوانم.

ادب دوم این است که علاقه داشته باشی در بعضی اوقات خود را به بالاترین درجات در تلاوت قرآن برسانی و آن تلاوتی است که در نماز و در حال قیام مخصوصاً در مسجد و در وقت شب، باشد زیرا قلب انسان در شب فارغ تر و دارای صفای بیشتر است و روزها اگرچه انسان در خلوت باشد، حرکات و آمدن و رفتن دیگران و اشتغالشان به کارهای دنیا، باطن او را تحریک و مشغول می کنند مخصوصاً در وقتی که انسان جویای کاری باشد و بدان که هر طور قرآن بخوانی اگرچه بی وضو و دراز کشیده باشی، از فضیلت و ثواب خالی نیست زیرا خداوند آن را در همه احوال ستوده و فرموده است: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» (آل عمران: 191)، و آن چه را که ذکر کردم دارای فضیلت و ثواب بیشتر است و اگر از مریدان و سالکان راه آخرتی، باید ترک چنین فضیلتی را آسان شماری.

حضرت علی علیه السلام گفته است: کسی که ایستاده در نماز قرآن بخواند، به هر حرفی صد حسنه را انجام داده است و کسی که در غیر نماز و با طهارت بخواند، برای او بیست و پنج حسنه محسوب است و کسی که بی وضو بخواند، دارای ده حسنه است.

ادب سوم در مقدار قرائت است و سه درجه دارد کم ترین و پایین ترین درجات این است که انسان در مدت یک ماه یک بار قرآن را ختم کند و بالاترین درجات ختم قرآن در سه روز است. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرموده است «کسی که قرآن را در کمتر از سه روز ختم کند، از آن چیزی نفهمیده است.» و ختم قرآن در مدت یک هفته درجه معتدل است و یک ختم در یک روز مستحب نیست و مواظب باش که به عقل خودت در این قبیل موارد تصرف نکنی و نگویی: هر چه خوب و دارای نفع باشد، هر قدر بیشتر باشد نفعش بیشتر است زیرا عقل تو از ادراک اسرار امور دینی و دستوره‌های الهی عاجز است و فقط نیروی نبوت می‌تواند آن‌ها را دریابد و بر تو لازم است که از دستورها پیروی کنی و نمی‌توانی خاصیت کارها را از راه مقایسه بفهمی. مگر نمی‌بینی که به تو دستور داده شده است که نماز بخوانی ولی از خواندن آن در تمام روز نهی شده است و نباید بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر و در وقت طلوع آفتاب و غروب آن و در وقت زوال، نماز بخوانی و این اوقات را اگر باهم جمع کنی در حدود یک سوم روز است و گذشته از این، باید توجه داشته باشی که مقایسه تلاوت قرآن بر کارهای مفید دیگر صحیح نیست و مثل این است که بگویی: چون دارو برای بیمار، مفید است هر قدر بیشتر بخورند فائده اش بیشتر است در صورتی که بسا اتفاق می‌افتد که خوردن داروی زیاد سبب مرگ می‌شود.

آداب باطنی تلاوت قرآن

آداب باطنی تلاوت قرآن پنج چیز است:

ادب اول این است که در آغاز تلاوت عظمت و بزرگی این کلام را به خاطر داشته باشی و آن وقتی میسر است که به عظمت و جلال گوینده آن پی ببری و برای پی بردن به عظمت او به خاطر بیاور که آفریننده عرش و کرسی و آسمان‌ها و زمین و تمام آن چه در آن‌ها وجود دارد مانند فرشته و انس و جن و حیوانات و نباتات و معادن، او است و خدایی است یگانه که همه آن‌ها را در قبضه قدرت دارد و به فرمان او و به اقتضای فضل و رحمت و تدبیر او در گردشند و تو اکنون خود را آماده می‌کنی که کلام او را بخوانی و به یکی از صفات ذاتیش نظر اندازی و زیبایی‌های علم و حکمتش را مطالعه کنی و باید بدانی چنان که ظاهر قرآن را جز پاکان، مس نمی‌کنند و دیگران از دست زدن به آن ممنوعند، قلب‌هایی می‌توانند حقیقت و معنی باطنیش را ادراک کنند که از بدی‌ها و آلودگی‌ها و کثافت‌های باطن پاک شده باشند.

چون عکرمه به عظمت قرآن پی برده بود، وقتی که آن را به قصد تلاوت باز می‌کرد، بسا بیهوش می‌شد و مکرر می‌گفت: این کلام پروردگار من است. بدان که اگر انوار کلام مجید خدا و عظمت و جلالش به لباس حروف و الفاظ پوشیده نمی‌شد، با نورهای خیره‌کننده و تسلط و جلالی که دارد. بشر توانایی شنیدن آن را نداشت و اگر خداوند به حضرت موسی قدرت مقاومت و پایداری را نمی‌داد، او نیز نمی‌توانست بدون پوشش حروف و اصوات کلام خدا را استماع کند هم چنان که کوه طور در مقابل سرآغاز تجلیات، تاب مقاومت نداشت و پاره پاره شد.

ادب دوم و سرّ باطنیش این است که اگر اهلیت داری، در معانی قرآن دقت و تفکر کنی و اگر با غفلت قلب چیزی را بر زبان آوردی، تکرارش کنی و آن را تلاوت بشمار نیاوری زیرا دلیل این که قرآن را باید شمرده و با تأنی خواند، این است که خواننده در معنی آن بیندیشد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «در عبادت بی‌دانش، در تلاوت بی‌تفکر، خیری وجود ندارد.» زنه‌ار به زیادی ختم‌های قرآن خشنود مباحش و اگر یک آیه را در سراسر شب تکرار کنی و در معنی آن بیندیشی از دو ختم قرآن بهتر است و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله جمله بسم الله الرحمن الرحیم را بیست بار تکرار کرد و ابودرداء گفت: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله یک شب را با تکرار آیه «إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ...» (1) (مأئده: 118) با ما به سر برد و تمیم داری یک شب را به تکرار آیه «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ

اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ...» (2) (جائیه: 21) گذرانید و سعید بن جبیر شبی تا صبح به تکرار آیه «وَأَمْتَارُوا الْيَوْمَ أَيَّهَا الْمُجْرِمُونَ» (3) (یس: 59) مشغول بود و شاید شایسته تر برای تو این است که گفتار یکی از عارفان را سرمشق برای خویش قرار دهی که گفته است: من در یک هفته ختمی و در یک ماه ختمی و در یک سال ختمی دارم و این ختم را نیز دارم که سی سال است آن را شروع کرده ام و هنوز تمام نشده است» و این اختلاف مدت بر حسب درجات تفکر و اندیشیدن است زیرا قلب انسان در بعضی اوقات، آمادگی بیشتر برای تفکر و دقت دارد و باید ختمی را به تفکر زیاد و اندیشیدن طولانی اختصاص دهد.

ادب و سرّ باطنی سوم این است که میوه های معرفت را از شاخه هایی که به آن ها بارورند بچینی و نورهایش را از کانون های مخصوص اقتباس کنی و جایی که باید جواهر را طلب کنی. جویای تریاق سم ها نباشی و جایی که باید رائحه مشک و عود به مشامت برسد، مروارید را جویا نشوی زیرا هر شاخه، ثمری و هر کانی جوهری دارد و این وقتی میسر است که اقسام دهگانه آیات قرآن را تشخیص دهی که در حقیقت ده معدن هستند.

بنابراین، آیاتی که به ذات یا صفات یا افعال خدا مربوط هستند، باید از آن ها به جلال و عظمت او پی ببری و آن چه مربوط به راهنمایی و نشان دادن حقیقت و راه راست است، باید رحمت و مهر و طفه خدا را از آن ها اقتباس کنی و آیاتی که نابود کردن کفار و هلاک دشمنان را بیان می کنند، را با عزت و بی نیازی و قهر و جبروت خدا آشنا می سازند و آیاتی که حالات پیغمبران را بیان می کنند، نشانی از بخشش و فضل و کرم خدا می باشند و شایسته است در هر قسمی از آیات قرآن معنی متناسب با آن را ادراک کنی و سزاوار نیست که تمام آیات را به یک چشم ببینی، چون شرح کامل این مطلب به طول می انجامد، بدین اشاره اکتفا می کنم.

ادب چهارم این است که از تمام چیزهایی که مانع از ادراک حقیقت هستند و پرده را بر روی قلب ها می کشند، اجتناب کنی. خدای تعالی می فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا» (4) (کهف: 57) و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر شیاطین در اطراف قلب های بنی آدم گردش نمی کردند، انسان می توانست ملکوت آسمان ها را نگاه کند.» بدان که معانی قرآن از عالم ملکوت روحانی است و فقط حروف آن از عالم مادی محسوس ظاهر است و مردمانی که به واسطه ضعف ایمان دچار شک و انکار شده اند یا افرادی که به سبب استغراق در شهوت ها و لذت های دنیوی محجوب گردیده اند، بی شک نمی توانند لطائف و دقائق قرآن را بفهمند و از انوار آن، بهره مند گردند و حجاب بیشتر مردمان از این قبیل است، ولی پرده هایی که افراد باتقوی و تشنگان ادراک حقیقت به آن مبتلا شده اند آنان را از فهم اسرار این کلام الهی محروم کرده است.

(5)

پی نوشت ها :

1. اگر عذابشان کنی آنان بندگان تواند.
2. آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند پنداشته اند....
3. ای گناهکاران! امروز [از بی گناهان] جدا شوید.
4. ما بر دل های آنان پوشش هایی قرار دادیم تا آن را در نیابند و در گوش هایشان سنگینی [نهادیم].
5. کتاب الاربعین، ص 61 - 58.